

مولانای رومی بزرگ خداوندگار بلخ



مولانا جلال الدین محمد « بلخی » مشهور به (مولوی یا مولانای روم) فرزند سلطان العلماء بهاولدین محمد فرزند حسین فرزند احمد خطیبی تاجیک تبار آریایی نژاد ، یکی از بزرگترین و آگه ترین عارف ژرف نگروبی بدیل علم و معرفت در جهان ، و درخشنده ترین ستاره فروغ هستی در آسمان ادب و شعر فارسی و سرآمد آموزش شناختی وحدت وجود ، و رویکرد های اخلاقی و فلسفی در همه اعصار می باشد . و مشهور ترین ستاره درخشنده فروغ هستی جهان معرفت

جلال الدین محمد در ششم ربیع الاول 604 هـ . ق . مساوی به 1224 میلادی در بلخ باستان متولد یافته بود و در یکشنبه 5 جمادی الاخر 672 هـ . ق . مساوی به 1292 میلادی در شهر « قونیه » واقع در جنوب ترکیه وفات نمود . (1)

پدر وی از علما و صوفیان بزرگ زمان خود بود . جلال الدین بلخی تحقیقات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت پدر تحت ارشاد برهان الدین محقق « ترمذی » درآمد .

برهان الدین محقق ، « مولانا » را مدتی برای تکمیل علوم و معلومات به شام (سوریه) در « حلب » و « دمشق » که از بزرگترین مراکز علمی و ادبی آن زمان بود فرستاد . و مولانا پس از پایان این سفر که از حدود 630 تا 637 هـ . ق . طول کشیده بود به « قونیه » باز گشت و بعد از تحصیلات ظاهر و تربیت باطن بدستور سید برهان الدین بتدریس تعلیم و وعظ و تذکیر مشغول گشت .

مولانا در سال 642 هـ . ق . با شمس الدین محمد فرزند علی فرزند ملکداد معروف به شمس تبریزی ملاقات کرد . این ملاقات انقلاب روحانی در مولانا پدید آورد . (* این جرقه ، اندیشه ژرف معنوی جذب و کشش دریای طبع مولانا را به خروشان در آورد ،

مولانا به بدیه خاطر شعر میسرود ورموز و اشارات عالم غیب را بشیوه سخن گستری بیان می کرد. و بعد با صلاح الدین فریدون قونوی معروف به « زرکوب » (2) و حسام الدین حسن فرزند محمد معروف به « چلیپی » که اصلاً از زمره فتیان قونیه وازسران آنان بود معرفی شد در این دوره از عمر یک چند او را مشغول داشت و به تشویق همین حسام الدین « چلیپی » مولانا به سرودن « مثنوی » پرداخت .

(*) چنانکه از آن پس مولانا پشت پا بمقامات دنیوی زد و دست ارادت از دامان ارشاد شمس تبریزی برنداشت و در ملازمت و صحبت او بود تا آنکه شمس در سال 645 هـ.ق. بردست عده یی از شاگردان متعصب مولانا که گویا فرزندش علاء الدین نیز در میان آنان بود ، پنهان از مولوی و بی اطلاع او کشته شد ...

آثار مولانا از نظم و نثر عبارت انداز :

1 - مثنوی درشش جلد و شامل « ده هزار و نود و دو » عنوان و « 26000 » بیت که در بحر رمل مسدس سروده شده و آنرا بحق باید یکی از بهترین زادگان اندیشه بشری دانست .

2 - دیوان غزلیات معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس که نخستین چاپ این دیوان در هندوستان انتشار یافته بود ، مشتمل است بر « 50 000 » بیت.

3 - رباعیات . مجموعه رباعیات مولوی در بعضی از نسخ و از آنجمله در طبعی که از آن بسال 1312 هـ.ق. در استانبول شده به 1659 شماره می رسد . در چاپ کتاب « شرح احوال مولانا جلال الدین محمد » از مرحوم فروزانفر شماره این رباعیات به 1983 رسیده یعنی عدد ابیات آنها 3966 است.

4 - مکتوبات مولانا . مجموعه مراسلات او به معاصرین است . که در آن بخش ابیات پر معنی سروده شده است.

5 - فیه ما فیه (مجموعه تقریرات مولانا) که در مجالس خود بیان فرموده ، شامل مسایل اخلاقی ، طریقت ، تصوف و عرفان میباشد.

6 - مجالس سبعه ، که عبارت از هفت مجلس از مواعظ مولانا است. (3)

بدون شک « مثنوی » یکی از بزرگترین آثار عرفانی کلیه اعصار تاریخی است و در هیچ اثر به اندازه « مثنوی » افکار تازه و بکر و معارف سنجیده و اعلی نتوان یافت. بقول « بوته » عالم آلمانی مولوی را « بزرگترین نویسنده وحدت وجود در تمام قرون خوانده است ... همچنان آمده است که : « مثنوی معنوی » بزرگترین میوه افکار و بهترین جلوه اشعار...، و کاملترین منظوم تصوف و عرفان در زبان فارسی است ... » (4)

مولانا اشکال مختلف تمثیل را برای بیان افکار فلسفی و عرفانی و جامعه شناسی خود بکار برده و در بکارگیری مناسب این اسلوب تبیینی بیانی خود مسلماً یکی از استادان شهیر جهان بشریت است .

مرغی که خبر ندارد از آب زلال

منقار در آب شور دارد همه سال

شیوه تفکر مولانا سیر آزاد و بی قید فکر ، یعنی سیر بر حسب تداعی معنا شئی بوده است ، او بوجود « حس درونی » که افزار اشراق و الهام و درک حقایق باطنی است معتقد بود . و میگوید که در روح انسان دو حس وجود دارد :

یکی « حس دنیا »

دو « حس عقبا »

که با یکی میتوان امور دنیایوی را شناخت و با دیگری امور آسمانی و اُخروی را .
بنظر مولانا : عشق بزرگترین فضیلت آدمی است ، که بوسیله عشق عواطف انسانی از هرنوع آرایش پاک میگذرد .

او میگوید مراسم مذهبی و عبادت نیک است ولی مسجد معبد و کلیسا جایگاه اقامت خداوند نیست بلکه ، محل اقامت خدا « دل پاک » است ، هدف اصلی آدمی در زندگی باید آن باشد که بوسیله ایمان و عبادت به تهذیب نفس پردازد . او در رویکرد های فکریش ویژگی رشته های ارتباط میان عشق ناب و دل پاک را در فضای محبت واقعی دور از تعصب و تظاهر بازشناسی میکند . و درسورفت راهبردی پاکیزگی اندیشه نیک ، انسان را به مواسات و ملایمت دعوت می نماید و سخت

گیری کردار و رفتار را نوعی از ناپختگی می شمرد (*)

بقول مولانا : اساسات عینی معرفت خودی ، خود شناسی است . او خود شناسی را کلید غیر شناسی میداند ، میگوید انسان نخست باید خود را شناخت ، آنگاه بشناسایی دیگران پرداخت ، بهترین وسیله غیر شناسی همانا خود شناسی است .

بعقیده مولانا اگر عقل در اطاعت روح امری ، صافی نشود و از دام و اوهام آزاد نگردد ، و حس نیز در تحت اداره عقل ، از شبهات و اغلاط حسی و اندیشه های واهی ، و شهوات طبیعی پاک و پیراسته نشود ، انسان هرگز بدرک ماهیات اشیاء و وصول به مرتبه کشف و شهود عینی حقایق امور توفیق نخواهد یافت . و چون به نیروی عقل صافی (پاکیزه سازی عقل) زنگ حس و خیال از دل زدوده شد ، حقایق اشیاء در خواب و در بیداری بر ما کشف خواهد گردید .

چشم حس همچون کف دست است و بس

نیست کف را بر همه او دست رس⁽⁵⁾

مولانا رویداد ها ، دنیا ، هستی ، حیات ، و در یک کلمه جهان آفرینش را با دیده وحدت مینگرد . او میگوید دنیا پیوسته نو میشود و ما از نو شدن غافلیم و در بقاء مانده ایم . عمر چون جویباری در گذر است ولی در اثر سرعت در جسد مستمری مینماید .⁽⁶⁾

فریدریخ هیگل (1770 - 1788 میلادی) فیلسوف آلمانی توصیفی از مکتب عرفان شرقی (خراسان بزرگ) میدهد . وی میگوید : وحدت وجود شرقی دیدن « جوهر واحد » است در همه ظواهر .

(*) سخت گیری و تعصب خامی است

تا جنینی کار خون آشامی است

این امر منجر به آن می شود که انسان خود را هر باره وقف این جوهر واحد کند .

مولانا معتقد است : « این جهان ، جهان دیگری میزاید و این توده و محشر را نمایش میدهد ، من اگر تا قیامت شرح این قیامت را بشمارم نتوانم ... »⁽⁷⁾

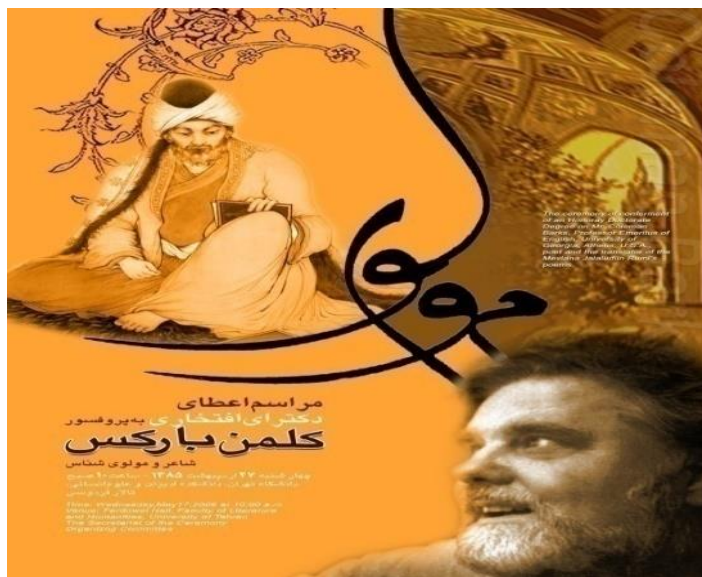
او « ... تنازع مداوم در پهنه هستی و تحرک دایمی ماده را با دیده باطن بین دیده است . خاک بادهان خدا داد ، آب میخورد و صد گونه گیاه میرویانند . حیوانات گیاهان را میخورند و ستبر میگردند ، تا انسان را لقمه باشند . انسان میبالد و آنگاه که روح و بصر از وی جدا گشت ، خاک او را به کام خود میکشد . »⁽⁸⁾

خوشا وقتا ! که سیاست گسترش حقوق فرهنگی زمینه ساز شد که پخش معلومات علمی و فرهنگی ، ببرکت پیشرفت های علوم مثبت ، بوسیله « ارتباط جمعی ماهواره ای » در اواخر قرن بیستم به عنوان یک سرمشق جهانی و فراگیر مطرح شده است . زمینه های ذهنی و رفتاری و معیار ارزیابی مناسبی را برای توسعه و تبادل فرهنگ تمدنی ، میان قاره ها فراهم آورده است . از همین برخورد راهبردی رهیافتی است که انسان های متمدن و تکامل پذیر در اعتقاد به علم مثبت به عنوان ابزار هایی برای شناخت ، از محدودیت های اعتقادی و معارف سنتی خودی بیرون آمده ، با استفاده معقول از این امکانات به آموزش فرهنگ ناب معارف جهانی فرامرزی بدون سرحد میگرایند .

که اینک در زیاده از ده سال اخیر با استفاده از چنین امکانات ماهواره ای ، مردم آمریکا و اروپا با نیاز عمیقی که به اصالت فرهنگ جهانی دارند ، دارد که آهسته آهسته با روشنایی معارف پر بار آریایی های قدیم و حوزه تمدنی « خراسان زمین » آشنایی حاصل میکنند .

چنانیکه استقبال گسترده از اشعار مولانا ی بلخ در آمریکا به اندازه‌ای زیاد بوده که این شاعر وفیلسوف ایران زمین ("قاره کهن ") با شاعرانی مثل : شیموس هینی ، شاعر ایرلندی و برنده جایزه نوبل و رابرت بنسکی و ماری اولیور شاعران آمریکایی رقابت می کند.

«استیو هولگیت» خبرنگار « گزارشهای ویژه واشنگتن» که از سوی وزارت خارجه آمریکا منتشر می شود، در مطلبی تحت عنوان : مولوی شاعر « خراسان بزرگ» آمریکا را تسخیر می کند و از شهرت روز افزون مولانا جلال الدین محمد بلخی در آمریکا می نویسد و آن را مدیون ترجمه اشعار او توسط یک شاعر و استاد پیشین ادبیات در آمریکا می داند.



«کلمن بارکس» مترجم اشعار مولانا به انگلیسی

«کلمن بارکس» به همراه همسرش Ruth در مینیاپولیس زندگی می کند(*) ، خبرنگار « گزارشهای ویژه واشنگتن» گفته است که اشعار مولوی پاسخگوی نیاز معنوی و روحی آمریکایی هاست و این یکی از عواملی است که بسیاری را در آمریکا شیفته اشعار مولانا ساخته است.

فیلیس تیکل سر دبیر « هفته نامه ناشر» معتقد است که محبوبیت مولوی در آمریکا ناشی از عطش معنوی مردم این کشور است.

به دنبال حملات یازدهم سپتامبر 2001 در چند تفسیر نوشته شد که مولوی پل مهم ارتباط بین آمریکایی ها و مسلمانان است و بسیاری با این گفته : « هانس ماینکه» شاعر آلمانی موافقت می گوید .

«اشعار مولوی تنها دریچه امیدی است که در این دوران سیاهی و تباهی به روی ما باز است» .

«کلمن بارکس» شاعر و استاد پیشین ادبیات با اشتیاق و شیفتگی از مولوی صحبت می کند: « شعر او حاصل خلاقیت آن نیمه ای از روح انسان است که نه از شخصیت بلکه از چیزی ماوراء آن و درک انسان الهام می گیرد » .

(*) اعطای دکترای افتخاری :



دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی به آقای پروفسور « کلمن بارکس » استاد دانشگاه جورجیا ، آمریکا ، شاعر و مترجم آثار مولانا جلال الدین بلخی مشهور به مولوی در 1385 اهدا گردید .

کلمن بارکس به همین موضوع اشاره داشته و می گوید که جذبه معنوی مذهبی اشعار مولوی ، آمریکایی ها را شیفته او ساخته است . وقتی مولوی در شعر خود این پرسش را مطرح میکند که :

«زکجا آمده ام آمدنم بهر چه بود ؟» ،

با بسیاری از آمریکایی ها که دارای احساسات معنوی شدید هستند ارتباط برقرار می کند .

به گزارش سرویس نگاهی به ویلاگ های ایسنا صفحه www.jamejamonline.ir به نقل از الیان نوشته است: « شعرهای مولوی با ترجمه کلمن بارکس (9) ، شاعر ، رکورد دار فروش کتاب های این کشور است . و این کتاب در سال 1995 اولین بار به وسیله انتشارات هربر کلینز در سن فرانسیسکو منتشر شد .

ویلیام دالرمبل طی مقاله ای می نویسد : راز توجه آمریکایی ها به جلال الدین بلخی، شاعر فارسی زبان و یکی از شاعران صوفی مذهب در جهان اسلام چیست؟ چه چیزی باعث می شود شرکت های تولید لباس یا ابزارهای موسیقی شعرهای مولوی را بر آثار خود بنویسند تا فروش شان بالا برود؟

آیا روح تشنه مردم آمریکا باعث این استقبال فراگیر و گسترده از شعرهای مولانای بلخ شده است؟ چرا آمریکایی ها چنین عشقی را دوست دارند؟

آیا زمان آن فرا رسیده که فرهنگ غرب به این سوال پاسخ دهد که زمان توجه بیشتر به فرهنگ ناب شرق یا قاره کهن فرا رسیده است؟ » .

از اشعار اوست :

بشنو از نی چون حکایت می کند
وز جداییها شکایت میکنند
کز نیستان تا مرا ببریده اند
از نفیرم مرد و زن نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
تا بگویم شرح درد اشتیاق
هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش
من بهر جمعیتی نالان شدم
جفت خوشحالان و بدحالان شدم
هرکسی از ظنّ خود شد یار من
وز درون من نجست اسرار من
سر من از ناله من دور نیست
لیک چشم و گوش را آن نور نیست
تن زجان و جان ز تن مستور نیست
لیک کس را دید جان دستور نیست...

عاشقان مستند و ما دیوانه ایم
عارفان شمع اند و ما پروانه ایم
چون نداریم با خلاق الفتی
خلق پندارند ما دیوانه ایم
در ازل دادند چون جام الست
تا ابد ما مست آن پیمانه ایم
ظاهر سستی ما را خود مبین
در شکست نفس خود مردانه ایم
کس نگردد واقف اسرار ما

زانکه همچون گنج در ویرانه ایم

ما در ره عشق تو اسیران بلائیم
کس نیست چنین عاشق بیچاره که ما ئیم
بر ما نظری کن که درین شهر غریبیم
بر ما کرمی کن که درین شهر گدائیم
زهدی نه که در کنج مناجات نشینیم
وجدی نه که بر گرد خرابات بر آئیم
حلاج و شانیم که از دار نترسیم
مجنون صفتانیم که در عشق خدائیم
ترسیدن ما چونکه هم از بیم بلا بود
اکنون ز چه ترسیم که در عین بلائیم
ما را بتو سریست که کس محرم آن نیست
گر سر برود سرتو با کس نگشائیم
ما رانه غم دوزخ و نه حرص بهشت است
بردار ز رخ پرده که مشتاق لقائیم

گربا تو بوم نخسبم از یاریها و ربی تو بوم نخسبم از زاریها
سبحان الله هر دو شب بیدارم تو فرق نگر میان بیداریها

تا رهبر تو طبع بد آموز بود..... بختی تو مپندار که پیروز بود
تو خفته بصبح و شب عمرت کوتاه ترسم که چو بیدار شوی روز بود

اول بهزار لطف بنواخت مرا
آخر بهزار غصه بگذاخت مرا

چون مُهره مهرِ خویش می باخت مرا
چون من همه او شدم برانداخت مرا

انصاف بده که عشق نیکوکار است
ز آنست خلل که طبع بدکردار است
تو شهوت خویش را لقب عشق نهی
از عشق تو تا عشق رهی بسیار است

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
لاغر صفتان زشت خو را نکشند
گر عاشق صادقی زکشتن مگریز
مردار بود هرآنکه او را نکشند

منابع و مأخذ

- 1 - رجوع شود به :
- مثنوی معنوی ، مولانا جلال الدین بلخی رومی ، تصحیح کننده حاجی محمد رضائی ، چاپ : تهران - ایران 1361 ، ص 7 .
- رساله در تحقیق احوال و زندگانی جلال الدین محمد ، تألیف مرحوم بدیع الزمان فروزانفر ، تهران 1315 شمسی ، ص 8 ببعده .
- 2 - در باره صلاح الدین زرکوب رجوع شود به « مثنوی ولدنامه از سلطان ولد » ، بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه تهران چاپ تهران 1315 شمسی از صفحه 63 ببعده ؛ و کتاب « مولانا جلال الدین محمد » ص 100 - 111 .
- 3 - رجوع شود به :
- فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر معین ، ص 2049 .
- تاریخ ادبیات فارسی تألیف : ارمان اته (Hermann Ethe) ، ترجمه مرحوم دکتر رضازاده شفق ، تهران 1337 شمسی ، ص 159 - 166 .
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ایران ، ج سوم ، از آقای ابن یوسف شیرازی صحایف 500 - 504 و 641 -

4 - دوره تکامل مثنوی معنوی : چاپ خانه آینده ، از اصل نسخه رینولد الین نیکلسیون ، تاریخ نشر 1373 ، مقدمه ص 9 .

5 - دوره تکامل مثنوی معنوی : چاپ خانه آینده ، از اصل نسخه رینولد الین نیکلسیون ، تاریخ نشر 1373 ، ص 384 .

6 - مثنوی اول ص 71 ، بیت از 1144 تا 1149 .

7 - مثنوی دوم ، ص 311 ، بیت 1187 ، از نثر و شرح مثنوی استفاد صورت گرفته است.

8 - مولانا جلال الدین (زندگی ، فلسفه ، آثار و گزیده از آنها) ، مؤلف : زندیاد عبدالباقی گولپینارلی ، ص 287 .

9 - برگرفته از : سایت انترنیتی « ایسنا » ، تاریخ : 1384/08/22 ؛ و سایت انترنیتی « انجمن ادبی قند پارسی » ، مولوی در آمریکا .